



The Jurisprudential Feasibility of Military Responses to Cyberattacks*

Ali Akbar Jahani¹  Mohsen Naderi² 

Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran (Corresponding Author).

aajahani@umz.ac.ir

2. Ph.D. Candidate, Department of Fiqh and the Foundations of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

mnnnnarsenal9085@gmail.com

Abstract

Cyberattacks constitute one of the most complex and emerging issues arising from the integration of cyberspace into modern human life, exposing societies to serious security threats. The jurisprudential feasibility of responding to cyberattacks through military force represents a novel and challenging issue in the fields of the jurisprudence of technology and Shi'i political jurisprudence. This study addresses several fundamental questions: Can a cyberattack be regarded, from the perspective of Islamic jurisprudence, as an act of military aggression or warfare (*ḥarb*)? Can the severity of a cyberattack and the financial, human, and psychological harm it causes justify the exercise of legitimate self-defense or military retaliation? Moreover, where the identity of the perpetrator cannot be established with certainty, should the presumption

۲۸۶
فقه و
سیاست
سال ۱۴۰۴، شماره ۱

* Jahani, A. A., & Naderi, M. (2026). The jurisprudential feasibility of military responses to cyberattacks. *Fiqh and Politics*, 6(1), pp. 286-310.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75324.1133>

▣ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

▣ **Received:** 2024/09/10 • **Revised:** 2024/09/27 • **Accepted:** 2025/02/19 • **Published online:** 2025/03/29

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



favor the permissibility or the impermissibility of military countermeasures? This research adopts a descriptive-analytical methodology based on the examination of classical and contemporary jurisprudential sources through explanation, analysis, and inference.

When cyberattacks serve as a prelude to significant economic disruption, serious damage to critical infrastructure, or the killing of government officials or citizens of an Islamic society, they may be classified as acts of military aggression or warfare. Furthermore, if it can be established that such an attack has been carried out by a hostile state—despite the considerable evidentiary challenges posed by the anonymity and technical complexities of cyberspace—the targeted state may, on the basis of established jurisprudential principles such as the obligation of jihad and self-defense, the sanctity of Muslim life and property, and the prohibition of submitting to oppression and aggression, undertake proportionate reciprocal measures and exercise the right of legitimate military self-defense.

Keywords

cyberattack; military attack; Shi'i political jurisprudence; reciprocity; legitimate self-defense.



دراسة الإمكان الفقهي للردّ العسكري على الهجمات السيبرانية*

علي أكبر جهاني^١ محسن نادري^٢

١. أستاذ مشارك، قسم الفقه ومبادئ القانون الإسلامي، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة مازندران، بابلسر، إيران (الكاتب المسؤول).

aajahani@umz.ac.ir

٢. طالب الدكتوراه، قسم الفقه ومبادئ القانون الإسلامي، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة مازندران، بابلسر، إيران.

mnnnnarsenal9085@gmail.com

الملخص

تعدّ الهجمات السيبرانية من القضايا المعقّدة والحديثة التي نشأت نتيجة دخول الفضاء الافتراضي في مختلف جوانب الحياة الإنسانية، وأصبحت تشكّل مخاطر جادة للمجتمعات الإنسانية. ويُعدّ تقييم الإمكان الفقهي للهجوم العسكري من خلال الهجمات السيبرانية أحد المباحث المستحدثة والمعقّدة في فقه التكنولوجيا والفقه السياسي. وتُسعى هذه الدراسة إلى الإجابة عن مجموعة من التساؤلات، من أبرزها: هل يمكن عدّ الهجوم السيبراني، من المنظور الفقهي، من مصاديق العدوان العسكري أو الحرب؟ وهل يجوز، بالنظر إلى حجم الهجوم السيبراني وما يسببه من أضرار مادية أو بشرية أو نفسية، اللجوء إلى الدفاع المشروع أو الردّ العسكري في مواجهة المعتدين؟ وفي حال الشكّ في إثبات الجهة المنفّذة للهجوم، فهل يكون الأصل هو جواز المواجهة أو عدم جوازها؟ واعتمدت الدراسة المنهج

٢٨٨
فقه
سياسي
سال ١٤٠٤، شماره ١

* الاستشهاد بهذه المقالة: جهاني، علي أكبر؛ نادري، محسن. (٢٠٢٥). دراسة الإمكان الفقهي للردّ العسكري على الهجمات السيبرانية. الفقه و السياسة، ٦(١)، صص ٢٨٦-٣١٠.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75324.1133>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٩/١٠ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٢٧ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٢/١٩ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٣/٢٩

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



الوصفيّ - التحليليّ، والمراجعة إلى المصادر الفقهيّة، مع التبيين والتحليل والاستنتاج. وتخلص الدراسة إلى أنّ الهجمات السيبرانيّة، إذا كانت تمثّل مقدّمةً لإلحاق أضرار اقتصاديّة أو بنيويّة جسيمة، أو كانت وسيلةً لاغتيال المسؤولين أو قتل مواطني المجتمع الإسلاميّ، فإنّها تُعدّ من مصاديق العدوان العسكريّ والحرب. وإذا ثبت أنّ الهجوم السيبرانيّ قد نفذ من قِبَل دولة مُعادية - مع الإقرار بأنّ إثبات ذلك يواجه صعوبات كبيرةً بسبب تعقيدات الفضاء السيبرانيّ، ولا سيّما خفاء هويّة المستخدمين - فإنّ الدولة التي تعرّضت للهجوم والعدوان السيبرانيّ، تملك استناداً إلى القواعد الفقهيّة، كوجوب الجهاد والدفاع، وحرمة دم المسلم وماله، ومبدأ عدم قبول الظلم والعدوان، حقّ القيام بالردّ بالمثل على نحو متناسب، والدفاع العسكريّ المشروع.

الكلمات المفتاحية

الهجوم السيبرانيّ، الهجوم العسكريّ، الفقه السياسيّ، الردّ بالمثل، الدفاع المشروع.



امکان سنجی فقهی پاسخ نظامی به حملات سایبری*

علی اکبر جهانی^۱ محسن نادری^۲

۱. دانشیار. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران (نویسنده مسئول).
aajahani@umz.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران. بابلسر. ایران.
mnnnnarsenal9085@gmail.com

چکیده

حملات سایبری، از جمله مباحث پیچیده و نوینی است که به واسطه ورود فضای مجازی به چرخه زیست بشری ایجاد شده و جوامع انسانی را در معرض خطرات جدی قرار داده است. امکان سنجی حمله نظامی از طریق حملات سایبری، یکی از مباحث نوین و پیچیده در حوزه فقه تکنولوژی و فقه سیاسی است. آیا حمله سایبری می تواند از منظر فقهی از مصادیق حمله نظامی یا حرب باشد؟ آیا می توان با توجه به میزان حمله سایبری و ضرری که به لحاظ مالی، جانی و روانی ایجاد می شود؛ به دفاع مشروع یا نظامی در مقابل حمله کنندگان پرداخت؟ در صورت تردید در اثبات عامل حمله، اصل بر جواز یا عدم جواز مقابله خواهد بود؟ روش تحقیق در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و مراجعه به منابع فقهی همراه با تبیین، تحلیل و استنتاج است.

حملات سایبری چنانچه مقدمه ای جهت آسیب اقتصادی و زیرساختی قابل توجه و یا کشتار مسئولین و شهروندان جامعه اسلامی باشد، مصادق حمله نظامی و حرب است و اگر انجام حمله سایبری توسط دولت

* **استاد به این مقاله:** جهانی، علی اکبر؛ نادری، محسن. (۱۴۰۴). امکان سنجی فقهی پاسخ نظامی به حملات سایبری. فقه و سیاست، ۱(۶)، صص ۲۸۶-۳۱۰.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75324.1133>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۵ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

متخاصم اثبات شود (اثبات این امر با توجه به پیچیدگی‌های فضای سایبر از جمله پنهان بودن هویت کاربران دشوار است)؛ دولتی که مورد حمله و تهاجم سایبری قرار گرفته است مطابق قواعد فقهی نظیر وجوب جهاد و دفاع، حرمت خون و مال مسلمان، اصل عدم ظلم‌پذیری و عدوان می‌تواند اقدام به مقابله به مثل متناسب و دفاع مشروع نظامی بپردازد.

کلیدواژه‌ها

حمله سایبری، حمله نظامی، فقه سیاسی، مقابله به مثل، دفاع مشروع.

۱. مقدمه

اسلام ناب محمدی، برگرفته از وحی و سرچشمه لایزال الهی برای هدایت جهانیان است. آیین اسلام هرگز در پی جنگ طلبی و توسعه دین بر مبنای توسل به زور و قوای نظامی نبوده و نیست. کشورهای نظیر اندونزی و مالزی و دیگر کشورهای اسلامی شرق آسیا در حالی به اسلام گرویدند که هیچ قوای نظامی و توسل به قوه قهری برای این امر به کار نرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۳). امروزه یهودیان با تصرف قدرت و تسلط بر ابزارهای پیشرفته ارتباطی، نظامی و سیاسی سعی در تصاحب سرمایه و منابع دیگران دارند و در این مسیر از جنگ طلبی و کشتار انسان‌های بی گناه ابایی ندارند و برای نیل به اهداف نامشروع و غیر انسانی خویش حتی حاضر به رعایت حداقل چارچوب‌های دشمنی و عداوت و آداب جنگ و نبرد نیستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۵).

از سیره انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام نمایان می‌شود که تا حد امکان از درگیری و مقابله نظامی حذر می‌کردند؛ اما وقتی ناچار به قتال و جنگ می‌شدند به حکم آیات قرآن تا غایت امر که رفع فتنه است؛ «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (انفال، ۳۹) ادامه می‌دادند. این مسئله در پی سختی‌های ظاهری اما رحمتی بوده که خداوند متعال به واسطه ی قتال و نبرد حق با جبهه کفر و نفاق جهت توسعه رحمت خویش بر امت اسلام؛ بلکه جهانیان گسترانده و هدف از جهاد و دفاع مشروع از کیان اسلام به هیچ وجه زور گویی، قدرت طلبی، زیاده خواهی و ظلم نبوده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۱۱۶). آداب اخلاقی و انسانی در جنگ‌ها، مورد تأکید دین مبین اسلام است؛ از جمله عقوبت و مقابله به مثل با دشمن به اندازه‌ای که او تعدی و دشمنی می‌کند «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ» (نحل، ۱۲۶) «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ...» (بقره، ۱۹۴)، برخورد مناسب با اسیران جنگی، به گونه‌ای که او را طعام بخوراند حتی اگر در شرف مرگ باشد (حرعاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۶۹) و در نهایت اگرچه به هوشیاری، تجهیز و آمادگی لازم برای نبرد با دشمنان دستور می‌دهد در ادامه اعلان می‌دارد چنانچه دشمن بدون مکر، نیرنگ و فریب و از روی تمایل، پیشنهاد صلح دهد؛

پیشنهادش پذیرفته شود «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (انفال، ۶۱). از این رو، فقه پویای شیعه به پیروی از دستورات الهی و با توجه به نص صریح آیات و روایات هرگز رویکرد خصمانه و جنگ طلبانه نداشته؛ اما هرگز ظلم پذیر هم نبوده و تا دفع کامل فتنه به مقابله به مثل می پردازد.

امروزه حملات نظامی منحصر به استفاده از ابزار آلات و سلاح های معمول و سنتی نیست؛ بلکه دارای تنوع، پیچیدگی و شیوه های نوینی است. شیوه های ایجاد اختلال در امور سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکومت ها توسط دولت های متخاصم در عصر حاضر متنوع و مدرن تر شده و در کنار نبردهای فیزیکی و انسانی با استفاده از سلاح های جدیدتر، چالش های انکارناپذیری را برای جوامع بشری و حقوق بشر ایجاد کرده است. در جنگ های ترکیبی و سایبری عملاً مرز میان «صلح» و «جنگ» و «بستر فیزیکی وقوع جنگ» دارای معیار و ملاک دقیقی نیست. این از جمله دلایلی است که باید بررسی شود آیا حمله سایبری می تواند از منظر فقهی از مصادیق «حمله نظامی» یا «حرب» باشد؟ از این رو، شیوه و محدوده اقدامات تلافی جویانه و واکنش های متقابل براساس قواعد فقهی مبتنی بر آیات و روایات نسبت به حملات سایبری که از جمله ابزارهای خصمانه جهت نیل به اهداف نامشروع دولت های مستبد و استعمار گر است؛ در مقاله حاضر مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

برخی از نویسندگان در آثار خویش به مقوله حمله سایبری به عنوان ابزاری مدرن و مسلحانه در عصر حاضر اشاره و براساس حقوق بین الملل و مواد مندرج در آن اقدامات متقابل را در سطح نظامی، مشروع دانسته اند. اما مسئله ای که مقاله حاضر در صدد پاسخ منطقی و مستدل به آن است؛ این است که آیا اساساً می توان حمله سایبری را از مصادیق اقدامات مسلحانه نظامی توسط کشور متخاصم دانست؟ و براساس آن به قوای نظامی برای رویارویی با این کنش تمسک جست و محدوده این برخورد باید چه میزان است؟ و در نهایت ملاک و معیاری برای آنکه بتوان این حملات را در سطح نظامی پاسخ داد

بیان می‌شود؛ از جمله عدم تردید در عامل حمله سایبری، میزان تخریب و اثرگذاری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و نظامی و غیره.

قاسمی و چهاربخش در مقاله خود تحت عنوان «حملات سایبری و حقوق بین‌الملل» معتقدند؛ حملات سایبری از مصادیق سلاح جدید نظامی هستند؛ که طبق مواد مندرج در کنوانسیون سازمان ملل متحد حق دفاع مشروع را به کشوری که مورد حمله قرار گرفته و یا با سوء استفاده از این امکانات در معرض حمله نظامی قرار می‌گیرد؛ می‌دهند (قاسمی، چهاربخش، ۱۳۹۱، ص ۱۱۶).

اصلانی، رنجریان در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی و تحلیل تعریف حمله سایبری از منظر دکترین، رویه-کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل» با تفکیک سه مفهوم جرایم سایبری، حمله سایبری و جنگ سایبری در حقوق بین‌الملل، شباهت حمله سایبری و جنگ سایبری را وجود اهداف سیاسی و یا امنیتی دانسته‌اند و چنانچه آثار حمله سایبری همانند یک حمله مسلحانه بوده و یا عمل سایبری در چارچوب یک حمله مسلحانه رخ داده باشد؛ جنگ سایبری نامیده‌اند (اصلانی، رنجریان، ۱۳۹۴، ص ۲۶۲).

یزدانی و ناظمی در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل حقوقی حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی؛ مسئولیت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی» بر این باور هستند که بهره‌گیری دولت‌ها از ابزار سایبری جهت آسیب زدن به زیرساخت‌ها و حقوق اقتصادی کشورهای دیگر خلاف قواعد آمره منشور ملل متحد و سایر قوانین بین‌المللی است و چنانچه این حملات موجب آسیب و ضرر کشوری که مورد هجوم حملات سایبری قرار گرفته شود؛ کشور مهاجم ملزم به جبران خسارت براساس قوانین موجود بین‌المللی خواهند بود (یزدانی، ناظمی، ۱۴۰۴، ص ۷۱).

نویسندگان مذکور و سایر نویسندگان، در آثار خود بیشتر از منظر قواعد بین‌المللی و حقوق بین‌الملل به مسئله مشروعیت دفاع و حمله سایبری پرداخته‌اند؛ ولی مقاله حاضر با رویکردی فقهی در صدد پاسخ به سه پرسش اساسی و مستحدثه در حوزه «فقه فناوری» است.

۳. حمله سایبری به مثابه حمله نظامی

حرب در لغت نقطه مقابل صلح است که از آن تعبیر به قتال نیز می‌شود. برخی حرب را پرتاب تیر، جدال با شمشیر و درگیری فیزیکی (بدنی) تعریف کرده‌اند (زیدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۰۹). قتال، یعنی جنگیدن تا سر حد مرگ با شخصی که قصد کشتن طرف دیگر مخاصمه را دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۸).

آیا عملیات سایبری که به قصد اختلال در سیستم‌های دفاعی، انرژی‌های و صنایع مورد نیاز یک کشور نظیر صنایع هسته‌ای، شبکه برق و به‌طور کلی شریان‌های حیاتی یک کشور صورت می‌گیرد؛ مصداق حمله نظامی، حرب و یا قتال است؟ به عبار دیگر، آیا ابزار قتال منحصر در سلاح گرم و یا سرد است؟ آیا با هک سیستم دفاعی و یا بانکی اینکه اختلال و زمینه مرگ فراهم می‌شود جواز مقابله به مثل نظامی را می‌دهد؟

تعریف حرب، قتال و جنگ در اعصار گذشته معرف این مسئله است که استفاده از ابزار آلات مرسوم برای مقابله با طرف مقابل جنگ، لازم بوده تا عنوان حرب و قتال شامل آن اقدام شود. محارب، کسانی هستند که جهت رعب و وحشت مردم، سلاح خود را نمایان می‌سازند و جان، مال و نوامیس مردم را در معرض خطر و آسیب قرار می‌دهند (شهیدثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۸۴). قید تجرید سلاح، به جهت روایاتی است که این خصوصیت را در اثبات محاربه لازم می‌دانند؛ امام از نظر شهید ثانی قول قوی‌تر عدم اعتبار این قید است (شهیدثانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۸۴). از این رو، هر جنگ، حرب و قتالی با مسلمانان، فساد در زمین و نیازمند جنگ و واکنش همه جانبه نیست؛ بلکه ایجاد فساد در امت اسلامی از طریق «اخلال در امنیت مردم جامعه» نیازمند برخورد قاطع با محاربین و دشمنان است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۳۲)؛ بنابراین، چنانچه به مفهوم حمله و تهاجم نظامی بر مبنای تبیین لغت شناسان و فقهای متقدم نگریسته شود؛ قاعدتا حملات سایبری اعم از اینکه جرم سایبری یا حمله سایبری یا جنگ سایبری تعبیر شود؛ از مصادیق حمله نظامی نخواهد بود و این مسئله با منطق عصر حاضر تضادی آشکار دارد. ماجرای پیجرهای منفجر شده در سال ۱۴۰۳ شمسی در لبنان شاهدی بر این مدعا است. این کار مصداق بارز یک جنایت جنگی سایبری در عصر حاضر است؛ هدف از این

عمل غیر انسانی و شنیع که با آداب اولیه هر جنگ و تخاصمی در تضاد است؛ این بود که در انفجار هر دو دست کاربر زخمی شود تا او دیگر قادر به جنگیدن با صهیونیست‌ها نباشد! (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۳/۷/۱۶).

از این رو، امکان وقوع حمله نظامی به یک کشور از طریق ابزار سایبری دور از ذهن نیست و مطابق با واقعیت‌های موجود در عصر حاضر است؛ ولی با توجه به ماهیت و چرایی مفاهیم قتال و جنگ نظامی، قصد کشتن از طریق حملات سایبری قیدی است که می‌تواند ما را به رویکردی جامع و تفصیلی برساند؛ بنابراین، حملات سایبری می‌تواند از مصادیق حملات نظامی باشد؛ ولی زمانی که به کارگیری آن به نیت کشتن اهداف متخاصم و یا مقدمه‌ای برای نیل به این هدف باشد. در روایات باب جهاد در کتب روایی شیعی و سنی آمده است؛ که رسول ﷺ فرمودند «جاهدوا فی الله القریب والبعید، وفی الحضر والسفر» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۸۸). جهاد در راه خداوند متعال به صورت قریب و بعید سفارش شده و این احتمال که منظور از قریب و بعید، دشمن دور و نزدیک باشد؛ دور از ذهن نیست. دشمن قریب، مانع پیشرفت اسلام است و با تهاجم به کیان جامعه اسلامی ضربه می‌زند؛ از این رو باید در جهاد با آنها این موانع را برداشت؛ ولی در تطابق دشمن بعید، این احتمال که منظور در زمان حاضر، دشمنانی باشند که با استفاده از ظرفیت‌های دنیای مجازی مشغول ضربه و آسیب به جامعه اسلامی باشند؛ وجود دارد. در جنگ سایبری، دشمن در بعید و دور دست است اما اثرات آن در منازل و در نشست و برخاست‌ها، در زیر ساخت‌ها، در اقتصاد، فرهنگ و سیاست، قابل رویت است (صفدری، درس فقه معاصر، ۱۴۰۱/۸/۱۹، eshia.ir).

به طور کلی نتیجه و اثر حملات سایبری موجب نابودی توانایی دفاعی، اختلال در زیر ساخت‌ها و امور اقتصادی و خسارت جانی به شهروندان کشور دیگر شود؛ می‌توان آن را مصداق «حرب» دانست. چرا که طبق نظر برخی از فقها، در صدق عنوان محاربه کشیدن سلاح ملاک نیست بلکه آسیب به امنیت، جان، مال و نوامیس مردم ملاک صدق عنوان محاربه است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۲۷۳) و این مهم به وسیله حملات الکترونیکی، هک و حملات سایبری ایجاد می‌شود.

۴. جواز دفاع مشروع یا حمله نظامی

اذن ابتدایی قتال با مقاتلین از کفار (کسانی که در میدان جنگ با مسلمانان هستند) از آیه ۴۰ از سوره مبارکه حج برداشت می شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۸۸)، اما شیوه جنگ مسلمانان باید متفاوت باشد. به طور مثال، شیخ الطائفه، شیخ طوسی در نهاییه معتقد است؛ جنگیدن با غیرمسلمانان به هر شکلی و با هر وسیله ای جایز است، مگر پراکنده کردن ساکنان آنها، سنگباران کردن آنها و مسموم کردن آنها (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۹۳). وقتی مسموم کردن و فراری دادن غیر نظامیان از کشورهای متخاصم جایز نباشد؛ جنگیدن و کشتن آنها از طریق ابزار سایبری و الکترونیکی نیز مجاز نیست و این اصل و قاعده اولیه و بدیهی است؛ چراکه مسلمانان به حکم دین، تجاوزی به حقوق و مال و جان دیگران نمی کنند؛ مگر نسبت به کسانی که به حسب عمل و فعلشان در حق آنها تجاوز کرده باشند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۴۰۸). اما پرسشی که مطرح می شود آن است که آیا اساساً کسانی که به زیر ساخت ها یا فعالیت های اقتصادی و سیستم دفاعی کشور دیگری حمله سایبری می کنند؛ «مقاتل» محسوب می شوند؟ در صورتی که حمله سایبری، حمله نظامی محسوب شود؛ می توان از نظر قواعد فقهی به حمله سایبری، پاسخ نظامی داد؟

۴-۱. محل حرب

مکان، میدان و ساحت جنگ در حکم جواز دفاع مشروع و شمول مصادیق مقاتلین از دشمنان نقشی بی بدیل دارد. چنان که در آیه ۴ سوره مبارکه محمد ﷺ می فرماید: «إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا أَثْخَتْتُمُوهُمْ فَسُدُّوا الْوَتَانَ فِإِذَا مَنَّا بَعْدَ وَإِنَّا فِدَاءٌ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا» (محمد، ۴)؛ «و هنگامی که با کافران (جنایت پیشه) در میدان جنگ روبه رو شدید؛ باید (شجاعانه) آنها را گردن زنید تا آن گاه که از خونریزی بسیار، دشمن را از پا در آوردید پس از آن، اسیران جنگ را محکم به بند کشید که بعداً یا بر آنها مَنّت نهید (و آنها را آزاد گردانید) یا در برابر آزادی از آنان فدیة (غرامت) بگیرید؛ (و این وضع باید همچنان ادامه یابد) تا جنگ بار سنگین خود را بر زمین نهد».

این آیه مربوط به میدان نبرد است؛ نه آنکه در هر جایی که کافران را یافتید با شجاعت گردن آنها را بزنید؛ واژه «حرب» که در آیه به اختیار حاکم جامعه در برخورد با اسیران پس از انقضای جنگ و اتمام آن اشاره دارد؛ موید این مسئله است (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۱۲۳).

روزگاران قدیم و البته نه چندان دور، نبردهای تن به تن، استفاده از سلاح‌های مشهود و مرسوم ممنوعه و غیر ممنوعه در نبردها و در میدان جنگ مورد استفاده قرار می‌گرفت. مدتی بعد ماهواره‌های مخابراتی و قاره‌پیما و فناوری‌های دیگر برای نبردهای غلمی، سیاسی و نظامی وارد میدان رقابت شد؛ اما امروزه استفاده از ابزارهای دیجیتال و غیر ملموس نظیر هوش مصنوعی، صحنه نبرد را از میدان محصور و منطقه جغرافیایی خاص بر روی زمین، هوا، دریا خارج کرده و عصر حاضر که به «عصر دیجیتال» مشهور است؛ با پیشرفت فناوری‌ها و صنایع مرتبط با امور نظامی، استفاده از فناوری‌های مرتبط با فضای مجازی از جمله هوش مصنوعی در ردیابی افسران نظامی یک کشور، ردیابی موقعیت و محل استقرار اشخاص برای ترور، هک کردن زیرساخت‌های مخابراتی، برق رسانی و سایر امور زیرساختی مهم یک کشور عجین شده است و به ابزاری جهت ضربه زدن به یک کشور و حتی سرنگونی آن تبدیل شده است. از این‌رو باید برای مطابقت واقعیت‌های میدانی حاضر با صحنه نبرد و شمول میدان جنگ نسبت به ابزارهای نوین تهاجمی از جمله فضای سایبر به «عرف» مراجعه نمود.

در تطابق دشمن بعید، این احتمال که منظور در زمان حاضر، دشمنانی باشند که با استفاده از ظرفیت‌های دنیای مجازی مشغول ضربه و آسیب به جامعه اسلامی باشند؛ وجود دارد. در جنگ سایبری، دشمن در بعید و دور دست است اما اثرات آن در منازل و در نشست و برخاست‌ها، در زیر ساخت‌ها، در اقتصاد، فرهنگ و سیاست، قابل رؤیت است (صفدری، درس فقه معاصر، ۱۴۰۱/۸/۱۹، eshia.ir). از این‌رو، هر مبدأ و موقعیتی که از آنجا به منافع سیاسی، دفاعی، زیرساختی و اقتصادی یک کشور تهاجمی اعم از استفاده از سلاح‌های ملموس (تسلیمات مرسوم جنگی) و ابزار غیر مشهود نظیر هک، سوء استفاده از هوش مصنوعی، اختلال در سیستم‌های دفاعی و خرابکاری در صنایع مهم

کشوری صورت گیرد؛ متناسب با شدت آن اقدام خصمانه، اقدام متقابل جهت عدم تکرار آن رفتار خصمانه، عاقلانه، لازم و ضروری است.

۴-۲. وجوب جهاد و دفاع و جواز مشروعیت پاسخ نظامی (مقابله به مثل براساس آیه اعتداء)

آیات و روایات فراوانی بر وجوب دفاع و جهاد و مشروعیت اقدام متقابل نسبت به دشمن متخاصم به تبیین این مسئله پرداخته‌اند. از جمله آیات مربوطه، آیه اعتداء: (فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ) است. آیه اعتداء: «فَمَنْ اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَىٰ عَلَيَّكُمْ» (بقره، ۱۹۴). جواز کلی اعتداء و مقابله به مثل متناسب را داده است. هدف قرآن کریم از این آیه، ایجاد قدرت بازدارندگی است. نکته مهم در مقابله به مثل قدرت بازدارندگی است (اعتداء به مثل باید قدرت بازدارندگی ایجاد کند). چنانچه دشمن به یکی از زیرساخت‌های اساسی یا یکی از مقامات سیاسی و نظامی کشور حمله نمود و یا اقدام به ترور ناجوانمردانه کرد باید پاسخی قاطع و چند برابر دریافت کند و ضربه به قدری کاری باشد که دیگر جسارت انجام چنین کاری را به خود ندهد. مرحوم اصفهانی در حاشیه مکاسب شرح داده که اعتداء به لحاظ کمیت و کیفیت باید مورد توجه قرار گیرد و نوع اعتداء به مثل مهم است (غروی اصفهانی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۸۰). چنان که اگر کسی با خودرو مدل ۱۴۰۴ به طور مثال یک دستگاه خودرو مدل ۱۳۸۴ را آسیب رساند؛ این دو قابل قیاس با یکدیگر نیستند و باید نوع اعتداء مورد توجه باشد.

شایان توجه است اقدامات مقابله‌ای محصور در حمله نظامی منحصر نبوده و به اقتضای کنش دشمن باید واکنش متقابل داده شود. چه آنکه قائد شهید انقلاب معتقدند؛ دشمن برای پیگیری مسائل گوناگون ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی هزاران نفر را می‌گمارد؛ نظام اسلامی نیز متقابلاً بایستی میلیون‌ها نفر را آماده دفاع، ضربه و حتی حمله متقابل نماید؛ چه از بعد تبلیغاتی و چه انواع و اقسام کارهایی که از دست ملت انقلابی برمی‌آید (خامنه‌ای (امام شهید)، ۱۳۹۸/۱۲/۴).

دشمن متخاصم می‌تواند با به‌کارگیری امکانات سایبری و سوء استفاده از ابزار دیجیتال پیشرفته با از کار انداختن و هک زیر ساخت‌های خدمت‌رسانی عمومی نظیر بانک‌ها و شبکه‌های ارتباطی مخابراتی و زیرساخت‌های انرژی و صنعت نظیر نیروی برق، موجودیت و کیان نظام اسلامی را به مخاطره بیندازند. در این صورت مقابله به‌مثل و تخاصم با دشمنی او، بر هر مکلفی که توانایی دفاع و مقابله با هر ابزاری را دارا می‌باشد؛ و جوب پیدا می‌کند. چراکه دفاع از بیضه الاسلام (کیان نظام اسلامی) بر هر مسلمانی اعم از اینکه امام علیه السلام یا نایب او حاضر باشند یا نباشند؛ واجب است (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۱۴).

در ارتباط و جوب جهاد و دفاع و جواز حمله نظامی مبتنی بر آیه اعتداء می‌توان استدلال نمود که ماهیت یک حمله صرفاً نظامی و محصور در سلاح‌های مرسوم نیست بلکه آنچه که اهمیت دارد؛ میزان آسیب و پیامدهای حمله است که نحوه واکنش طرف مقابل که مورد هجوم قرار گرفته است را تعیین می‌کند. بر این اساس وقتی حمله سایبری بیضه الاسلام (کیان نظام اسلامی) را در معرض آسیب و خطر موجودی قرار می‌دهد یا اختلالی گسترده در خدمت‌رسانی به شهروندان ایجاد می‌کند؛ دفاع و مقابله بر هر کسی با هر ابزاری که امکان مقابله دارد؛ واجب است (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۸۵). در تبیین این مسئله باید گفت؛ اگر یک حمله سایبری به گونه‌ای باشد که منجر به از کار افتادن شبکه برق، تخریب زیرساخت‌های حیاتی و اختلال‌های منفی در بازار سرمایه و غیره شود این حمله از نظر پیامد مشابه حملات نظامی و موشکی بلکه دارای آثاری به مراتب شدیدتر ممکن است باشد و از آنجایی که حفظ جان، مال و نظم عمومی جامعه بر حکومت اسلامی واجب است؛ دفاع در برابر حملاتی که این مقاصد را در معرض تهدید قرار داده ولو با ابزار جدید و نامرسوم نظامی نظیر حملات سایبری، از باب جهاد دفاعی واجب و مشروع است. چراکه هر زمانی که خوف بر مال، جان و آبروی مومن و نفس محترمی باشد؛ دفاع تحت شرایطی واجب شرعی است (نجفی جواهری، ۱۳۶۲، ج ۲۱، ص ۱۶).

۳-۴. اصل حرمت خون و مال مسلمان

اسلام به مسئله امنیت شهروندان جامعه اسلامی توجه جدی دارد و آن را مورد تأکید قرار داده است. جامعه برای بقا و دوام خود نیازمند وجود عناصری است که استمرار آن را تضمین نماید. یکی از بنیادی ترین نیازهای جامعه بشری، آرامش روانی و امنیت جانی و اقتصادی است؛ به گونه‌ای که در روایات آمده است «هیچ نعمتی گوارتر از امنیت نیست» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱۰). حفظ جان و حرمت مال مسلمانان از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ از طرفی جهاد در اسلام مطابق آیات و روایات، به عنوان دفاع از حریم جان و مال و یا حریم انسان‌های مستضعف تجویز می‌شود. جهادهای اسلامی، جنبه دفاعی و رهایی بخشی از ظلم دارد و نوعی ضرورت اجتماعی جهت برقراری امنیت و حفظ کیان اسلامی تلقی می‌شود (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۴۱).

از این رو، براساس اصل حرمت خون و مال مسلمان، چنانچه از طریق حملات سایبری، به جان و مال مردم، تعدی و تجاوزی صورت گیرد و یا مقدمه‌ای برای تجاوز باشد، می‌توان با حمله‌ای متناسب، از جان و مال مسلمانان دفاع کرد.

۴-۴. حمله سایبری، مصداق ظلم و عدوان

اگر کشوری با بهره‌گیری و استفاده نامشروع از فضای سایبر و ابزارهای سایبری، حاکمیت یا امنیت کشور اسلامی را در معرض هدف و تجاوز قرار دهند؛ این عمل می‌تواند مصداق بارز «عدوان» و «ظلم» باشد و مطابق آیات شریفه ۳۹ و ۴۰ از سوره مبارکه حج: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا» (حج، ۳۹) وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا» (حج، ۴۰)، رخصت مقابله با دشمنان که به ناحق و مبتنی بر «عدوان» و «ظلم» موجب تضییع حقوق جامعه اسلامی اعطا شده است.

ملاک و معیار حکومت اسلامی در رویارویی با دیگر حکومت‌ها مبتنی بر عدم ظلم و ظلم ناپذیری است «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» (بقره، ۲۷۹). حکومت اسلامی با دولت‌ها، با کشورها، با ملت‌ها به خودی خود هیچ معارضه‌ای ندارد؛ مقابله جمهوری اسلامی،

براساس آموزه‌های اسلامی و مبتنی بر اصل ظلم ستیزی در مقابل حکومت‌های مستبدی است که خلاف ذات الهی-انسانی و قوانین صالحه بشری، دست به ستم کردن و استعمار و بهره‌کشی از دیگر ملت‌های می‌کنند (خامنه‌ای (امام شهید)، ۱۴۰۲/۱۲/۱۷).

زمانی که کشوری مورد ظلم و خصومت کشور دیگری واقع می‌شود و مورد تهاجم سایبری قرار می‌گیرد؛ فقط ابراز دشمنی با آن دشمن کافی نیست؛ بلکه باید مطابق توصیه امیر المومنین علی (ع)، باید خصم ظالمین و یاور ستم دیدگان بود «و کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» (نامه ۴۰، نهج البلاغه). «خصم»، غیر از «دشمن» است. دشمنی با ظالم یعنی بدبینی و بدآمدن از اقدام دشمن (جنبه قلبی آن ملاک است). این مقدار از دشمنی، نسبت به کسانی که ظلم می‌کنند؛ از نظر امام علی (ع) کافی نیست. ایشان می‌فرمایند؛ «خصم او باش»، یعنی، «دشمنی که گریبان ظالم را را می‌گیرد و او را رها نمی‌کند». بشریت بعد از امیرالمؤمنین (ع)، تا امروز، به سبب نگرفتن گریبان ستم کاران، دچار تیره روزی، ظلم پذیری، استثمار، بهره‌کشی و جنگ‌های بی‌شمار و متعدد جهت قدرت طلبی‌های کاذب شده است. اگر جامعه ایمانی، با صلابت و به تاسی از سیره معصومین (ع)، گریبان ظالمان و ستمکاران را می‌گرفتند؛ ظلم و ظالم توانایی برخورد قهری با مظلوم و تخریب و ویرانی جهان و زیست بشری را پیدا نمی‌کرد؛ بلکه از بین می‌رفت (خامنه‌ای (امام شهید)، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳).

فرمایش امام علی (ع) مبنی بر اینکه از راه خصومت به مقابله با ظالم برخیز! یعنی امام (ع)، به جامعه توحیدی، مسئولان و مردم نظام اسلامی می‌خواهد اعلام دارد که در عالم هستی، هر جا و هر مکانی ظلمی مشاهده می‌شود (خواه با ابزارهای مجازی در دنیای مجازی و حقیقی و خواه با ابزارهای دیگر) جامعه اسلامی به‌عنوان جامعه زنده و اندیشمند و قدرتمند نشأت گرفته از قدرت الهی باید به مقابله با ظالم و خصومت با او همت گمارند. البته این بدین معنی نیست که با جنگ طلبی و رویکردی غیر عقلانی جنگی عالم گیر ایجاد شود و از این سوی دنیا به آن سوی دنیا تهاجم نمود و گریبان ظالم را گرفت. بلکه منظور این است که؛ در هر زمان و مکانی به اقتضاء شرایط باید خصومت و دشمنی خود را با ظالم نشان داد؛ تا زمانی که سر عقل آید و از دشمنی خود

دست کشد و در صدد جبران ظلم‌های خود بر آید؛ چرا که همیشه امکان رو در رویی و تقابل با ظالم و ابراز خصومت از راه نزدیک فراهم نیست؛ از این رو از راه دور، مخاصمه و جهاد می‌کند (خامنه‌ای (امام شهید)، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳). چنان که رسول ﷺ فرمودند: «جاهدوا فی الله القریب والبعید، وفی الحضر والسفر» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۸). امروزه چنانچه به وصیت امیرالمؤمنین (ع) مبنی بر خصومت با ظالمان و یاری رساندن به ستم دیدگان عمل می‌شد؛ نژادپرستی، کشتار کودکان بی‌دفاع، ربودن غیر قانونی مسئولان یک کشور، برده داری نوین و غیره در جهان بدین شکل و به صورت فراگیر وجود نداشت. اما الان مشاهده می‌شود که دنیا به چه منجلابی گرفتار شده است و بشریت چه بدبختی‌هایی را تحمل می‌کند. ملت‌ها و به خصوص مسلمانان چه مظلومیتی دارند! اگر به همین یک وصیت امیرالمؤمنین (ع) عمل می‌شد، امروز بسیاری از ظلم‌ها و مصیبت‌های ناشی از ظلم‌ها، وجود نمی‌داشت «و للمظلوم عوناً». هر جا مظلومی هست، به او کمک کن. نمی‌گویند «طرفدارش باش». نه! باید کمکش کنی. هر چه می‌توانی و به هرنحو که می‌توانی (خامنه‌ای (امام شهید)، ۱۳۷۲/۱۲/۱۳).

بنابر این به‌طور کلی؛ با توجه به قواعد و اصول مطروحه، براساس قواعد دفاع مشروع چه از منظر فقه امامیه (که محل بحث پژوهش حاضر است) و نیز از منظر قواعد آمره بین‌المللی که در پیشینه پژوهش و در آثار سایر نویسندگان به آن اشاره شد؛ چنانچه کشوری مورد حمله سایبری قرار گیرد که منجر به آسیب صنایع نظامی، زیر ساخت‌ها و سایر امور مادی حکومت و شهروندان جامعه شود؛ به همان میزان مبتنی بر آیه شریفه ۱۹۴ از سوره مبارکه بقره باید به تعدی و مقابله برخاست؛ چرا که در اسلام، حفظ دین، حفظ جان مردم، بر تقدس زمان‌ها و مکان‌ها مقدم است. از این رو؛ با وجود اینکه تعدی و تجاوز از نظر فقه امامیه جایز نیست؛ اما تعدی و تجاوز دیگران نباید بی‌پاسخ بماند (فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم). بنابراین اگر آسیب حمله سایبری، جدی و قابل توجه و معطوف به امور مهم کشور باشد؛ از جمله موجب اختلال در شبکه برق‌رسانی، اختلال در آبرسانی و ساختار آن، هک تلفن‌های همراه و آسیب جسمی به شهروندان یک جامعه، اختلال در زیرساخت‌ها و صنایع مهم یک کشور و

غیره، می‌توان قایل به جواز حمله نظامی در پاسخ به حمله سایبری شد که علی‌رغم آنکه ابزاری سایبری و غیر نظامی است؛ اما وسیله‌ای برای حمله و جنگ نظامی شده و ماهیتی «نظامی» گرفته و به سلاحی جنگی تبدیل شده است.

۵. اثبات و مسئولیت عامل حمله سایبری

«جنگ سایبری» در صورت وجود قصد برای اختلال در امنیت جامعه اسلامی و به نیت کشتار آحاد جامعه و یا ترور اشخاص مهم به مثابه حمله نظامی به کشور دیگر قلمداد می‌شود و مطابق قواعد فقهی نظیر حرمت خون و مال مسلمان و اصل «عدم ظلم پذیری» و «عدوان» حق دفاع مشروع و نظامی را به حکومت اسلامی می‌دهد؛ اما اثبات «عاملیت» در حملات سایبری، یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های فقهی و حقوقی است؛ چراکه فضای مجازی نسبت به فضای حقیقی تفاوت‌های انکار نشدنی‌ای دارد؛ از جمله خصایص فضای مجازی ناشناخته بودن هویت کاربران در بسیاری از محیط‌های این فضای سراسر پیچیده است. بر خلاف فضای حقیقی که هویت افراد همیشه مشخص و ثابت است و مدارک هویتی انسان در دسترس می‌باشد؛ در محیط و بستر مجازی شخص قادر است به راحتی در اغلب موارد سن جنسیت و طبقه اجتماعی خود را کتمان کرده و یا هر لحظه داده‌های کذب از هویت خود ارائه دهد (سیاح طاهری و دیگران، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۳۵). از این‌رو، در فضای سایبر، بر خلاف جنگ‌های مرسوم نظامی که هویت سربازان و نیروهای نظامی یک کشور معلوم است؛ هویت مهاجم به راحتی قابل پنهان کاری، جعل و واگذاری است؛ بنابراین چنانچه ابهام و تردیدی وجود داشته باشد که حمله از سوی کدام دولت یا گروه انجام شده؛ آیا استفاده از ابزار نظامی علیه کشور مظنون جایز است؟

در فقه و حقوق اسلامی برای اثبات ضمان قهری و اینکه کشوری عامل حمله سایبری تلقی شود؛ باید رابطه میان «فعل» و «فاعل» ثابت شود. در غیر این صورت اصل، مطابق اصول فقه اسلامی بر عدم (خوبی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۷۴) انجام عمل توسط کشور متخاصم و اصل بر عدم جواز و مشروعیت حمله نظامی در پاسخ به حمله سایبری کشور

دیگر) خواهد بود. در ادامه برخی از موارد که می‌تواند به عنوان قرینه‌ای دال بر عاملیت کشور متخاصم مورد استفاده قرار گیرد، بیان می‌شوند.

۵-۱. اقرار دولت متخاصم

اقرار، از نظر فقه اسلامی وقتی با شرایط آن، انجام شود، قاطع دعوا بوده و قابلیت استناد توسط طرف مقابل متخاصم را دارد. بلکه اگر مردد بین اقل و اکثر مدعا نیز باشد؛ اقرار صحیح است (حلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۵)؛ بنابراین چنانچه اصل حمله سایبری توسط دولتی تأیید و اقرار به آن کند؛ اختلاف در چگونگی و کیفیت آن اثری در نفوذ آن اقرار و حق پاسخ متقابل کشوری که مورد هجوم قرار گرفته، ندارد.

چنانچه حمله سایبری به کشوری انجام شود و موجب خسارت‌های جانی، مالی و سیاسی به کشوری دیگر شود و توسط دولت دیگر مسئولیت این حمله پذیرفته شود؛ براساس اقرار دولت متخاصم، مسئولیت عامل حمله سایبری اثبات و می‌توان مبتنی بر آن اقدامات متقابل و مقابله به مثل انجام شود.

۵-۲. ضمان عامل

ظنون به ظن معتبر و غیر معتبر تقسیم می‌شود (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۲۹) و بر طبق دلالت آیه الظن لا یغنی عن الحق شیئا (یونس، ۱۰) به ظنونی که کاشیفیت از واقع و مبتنی بر قرینه معتبر نیستند؛ نمی‌توان عمل نمود (مظفر، ۱۳۹۹، ج ۳، صص ۲۴-۲۵). این قاعده (که نمی‌توان به ظنون غیر معتبر اکتفاء نمود) در ما نحن فیه و نسبت به شواهد مبهم دیجیتال، بسیار کلیدی و موثر است. ظن به اینکه حمله‌ای توسط هکری مستقلاً انجام شده و یا به دستور تروریست دولتی و دولت تروریستی موجب می‌شود که این پرسش مطرح شود که اگر حمله‌ای توسط هکری مشخص انجام شود؛ انتساب این امر به دولت متخاصم و پاسخ متقابل جایز است؟

چنانچه حمله سایبری توسط هکری مشخص سازماندهی شده باشد و وی مستقلاً این کار را انجام داده باشد؛ دولت متبوع وی مسئول نخواهد بود؛ اما اگر ثابت شود که

دولت متخاصم به او دستور داده یا از او حمایت کرده، دولت متخاصم مسئولیت عواقب آن را بر عهده دارد. در این زمینه می‌توان به عرف و اصول عملیه نظیر استصحاب رجوع کرد. مطابق اصل استصحاب که ابقای حکم اعم از تکلیفی و وضعی و موضوعی نسبت به حکم در زمان شک نسبت به بقای آن است (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۳۲۱)، در ما نحن فیه اگر حمله توسط هکری سایبری که تحت نظر و حمایت دولتی خاص اقدام می‌کرده، عملیات خرابکارانه سایبری نسبت به دولت متخاصم انجام دهد؛ می‌توان براساس اصل استصحاب، دولتی را که از وی حمایت می‌کرد مسئول دانست؛ اما این قاعده زمانی که جعل هویت توسط هکر به صورت یقینی اثبات شده و یا مردد باشد، قابلیت اثبات عاملیت کشور متخاصم را از دست می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

شریعت و فقه اسلامی رویکردی مصلحانه و صلح طلب داشته و تا جایی که ممکن است جنگ ستیز بوده و از آن دوری می‌کند؛ اما زمانی که جنگی به جامعه اسلامی و حاکم اسلامی تحمیل شود با شجاعت و با نیتی الهی تا رفع کامل فتنه به مقابله به مثل و دفاع از خویش می‌پردازد.

با توجه به معنی «حرب» و «قتال» به لحاظ لغوی و اصطلاحی، چنانچه حمله سایبری به قصد اختلال در امنیت جامعه اسلامی، آسیب زدن به زیر ساخت‌ها و امور اقتصادی مهم یک کشور و کشتار مسئولین و شهروندان جامعه باشد؛ در حکم جنگ نظامی و حرب است و می‌توان براساس قواعدی نظیر لاضرر (در صورتی که این قاعده توانایی جعل حکم را دارا باشد) و اصل «عدم ظلم پذیری» و حرمت جان و مال مسلمین به برخورد نظامی و حمله متقابل با رویکرد مقابله به مثل متناسب، اقدام نمود.

اقدام به رویارویی نظامی و حمله متقابل زمانی است که دولتی که مورد حمله قرار گرفته با ادله و دلایل متقن از جمله اقرار کشور متخاصم به حمله سایبری، شواهد و قراین مستدل آن را اثبات نماید. در غیر این صورت، حمله متقابل مشروعیت نداشته و خود «عدوان» به شمار می‌رود.

پیشنهاد می‌شود؛ قوه مقننه بر مبنای اصول اصیل اسلامی و در چارچوب قانون اساسی و سایر قوانین عادی، مصادیق حملات سایبری به مثابه حمله نظامی را تدوین نماید و چنانچه دولتی متخاصم دست به اقدامات مذبحانه سایبری جهت اختلال در امنیت ملی زد مبتنی بر قوانین مدونه حق پاسخ‌گویی مشروع براساس قوانین مدونه در اختیار نهادهای ذی ربط قرار گیرد (اگرچه قوانین بین‌المللی در این زمینه وجود دارد اما مکفی نیست).

منابع

- * قرآن کریم
- ** نهج البلاغه
- ابن ابی جمهور، محمد علی بن ابراهیم احسائی. (۱۴۰۳ق). عوالی اللثالی. قم: مطبعه سیدالشهدا علیه السلام.
- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اصلانی، جبار، اصلانیان، امیرحسین. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی و تحلیل تعریف حمله سایبری از منظر دکتین، رویه-کشورها و سازمان‌های بین المللی در حقوق بین الملل، تحقیقات حقوقی، ۱۸(۷)، صص ۲۵۷-۲۷۸.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم (چاپ دوم). قم: دار الکتاب الإسلامی.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه (چاپ نهم). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خامنه‌ای (امام شهید)، سیدعلی حسینی. (۱۴۰۲/۲/۱۷). روابط عادلانه با کفار در صورت عدم ستیز آنان با دین و مسلمانان، به نشانی اینترنتی khamenei.ir
- خامنه‌ای (امام شهید)، سیدعلی حسینی. (۱۳۹۸/۱۲/۴). بیانات در ابتدای جلسه درس خارج فقه و تشکر از حضور ملت ایران در انتخابات، به نشانی اینترنتی www.khamenei.ir
- خامنه‌ای (امام شهید)، سیدعلی حسینی. (۱۳۷۲/۱۲/۱۳). معنای دشمنی با ظالم و یاری مظلوم، به نشانی اینترنتی khamenei.ir.
- حلی (علامه)، جمال الدین الحسن بن یوسف بن علی بن مطهر. (بی تا). کربلا، منشورات المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). (۱۴۰۳/۷/۱۶). تطهیر فنی یک جنایت!، به نشانی اینترنتی

www.isna.ir

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۶۸). أجود التقريرات (چاپ دوم). قم: کتابفروشی مصطفوی.
راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد. (۱۴۲۴ق). تفسیر الراغب الأصفهانی. قم: دار الوطن.

زبیدی، مرتضی. (بی تا). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳). منشور جاوید. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
سیاح طاهری، محمد حسین و دیگران. (۱۳۹۶). حقیقت مجازی (درباره فضای مجازی چه بدانیم و چه بگوییم؟). تهران: مرکز ملی فضای مجازی.

صفدری، حسین. (۱۴۰۱/۸/۱۹). درس فقه معاصر، سایت مدرسه فقاہت به نشانی اینترنتی

www.eshia.ir

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۴). المیزان فی التفسیر القرآن (چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).

طوسی (شیخ)، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایة (چاپ دوم). بیروت: دار الکتاب العربی.

عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. (۱۴۱۲ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

غروی اصفهانی، شیخ محمد حسین. (۱۴۱۹ق). حاشیه المکاسب. قم: دار المصطفی ﷺ لإحياء التراث.

فاضل موحدی لنکری، محمد. (۱۳۸۵). ایضاح الکفایه (چاپ پنجم). قم: نشر نوح.
قاسمی، علی؛ چهاربخش، ویکتور بارین. (۱۳۹۱). حملات سایبری و حقوق بین الملل، حقوقی دادگستری، شماره ۷۸، صص ۱۱۵ - ۱۴۵.

مظفر (علامه)، محمد رضا. (۱۳۹۹). اصول الفقه (چاپ دهم). قم: نشر معراج.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۱). انوار الفقاهه. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ﷺ.

http://ijp.isca.ac.ir

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۷). از تو سوال می کنند (مجموعه سوالات قرآنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله)، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

موسوی خمینی (امام)، سیدروح الله. (۱۳۹۰). تحریر الوسیله (چاپ دوم). نجف: نشر آداب. موسوی خمینی (امام)، سیدروح الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام (چاپ پنجم). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نجفی جواهری، شیخ محمد حسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام (چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.

هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۳۷۸). بایسته های فقه جزا. تهران: نشر میزان. یزدانی، علی؛ ناظمی، نازآفرین. (۱۴۰۴). تحلیل حقوقی حملات سایبری به زیرساخت های حیاتی؛ مسؤولیت دولت ها و نهادهای بین المللی، پژوهش های حقوقی میان رشته ای، ۶(۳)، صص ۶۲-۷۳.